

اثبات توحید و نفی شرک

قسمت بیست و یکم

از علم. در این آیه. برهان و دلیل عقلی و منطقی است و اما معنای «هدی و کتاب منیر» این است که از سوی پروردگار بر قلب آنان در این باره وحی و الهامی نشده است و از کتاب روشنگر آسمانی هم برخوردار نمی باشند تا بوسیله آن مطلب خویش را اثبات نمایند و در عین حال درباره چنین پندار بی پایه ای به مجادله و مخاصمه می پردازند.

دلیل اِنّی و دلیل لِمّی

برای اینکه این مسأله روشن تر شود ناچار به مقدمه ای کوتاه اشاره مینمائیم: علمای علم منطقی می گویند: هنگامی که ما بخواهیم مطلبی را ثابت کنیم، می توانیم به دو طریق استدلال نمائیم که هر کدام در علم منطقی اصطلاحی مخصوص به خود دارد و به عبارت دیگر: دلالتی که برای اثبات یک شیء آورده می شود یا از قبیل دلیل «اِنّی» است و یا از قبیل دلیل «لِمّی».

شما در فصل بهار هنگامی که از کنار دیوار باغی می گذرید و نسیم روح افزای بهاری با عطر دل آویز گل ها و شکوفه های داخل باغ مشامتان را نوازش می دهد، تنها اثر آنها را که همان بوی خوش است بوسیله حس شامه ادراک می نمائید ولی مؤثر را که گل و شکوفه است بچشم مشاهده نمی کنید اقا با درک این اثر پس بوجود مؤثر می برید، و اگر از شما پرسند به چه دلیل می گویند در درون باغ چنان گل ها و شکوفه هائی شگفته است؟ خواهید گفت: به این دلیل که بوی آنها را احساس می نمائید و

«الْم تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمَنْ النَّاسُ مَنِ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ»

آیا مشاهده نمی نمائید خداوند آنچه را در آسمانها و در زمین است سخر شما ساخته و نعمتهای خویش را اعم از نعمتهای ظاهری و باطنی بر شما گسترده و افزون گردانیده ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا به مجادله می پردازند.

قسمت نخستین این آیه شریفه درباره نعمتهای فراوان و متنوع الهی بود که تحت تسخیر و استفاده انسان قرار دارند، و در قسمت پایانی آیه، سخن از کفار و مشرکینی است که بنا وجود این همه نعمت به انکار ذات مقدس پروردگار پرداخته و یا معتقد به شریک و همتانی برای او می باشند.

اصرار بر شرک

از مردم کسانی هستند که درباره خداوند مجادله می نمایند، مثلاً پیامبر آنها را به ایمان و گرایش به خداوند فرا می خواند ولی آنها ادعا می نمایند که برای این عالم، خالق و آفریدگاری نیست و یا مشرکین را دعوت به توحید و ترک شرک می کند، اقا آنها بر همان پندار بی پایه و شرک آلود خویش پافشاری می نمایند.

آنها در این ادعا و پندار متکی به علم و منطقی نیستند. منظور

این همان دلیل «آتی» است که کشف موثر از راه ادراک اثر است.

دلیل «لَمّی» درست برعکس دلیل «آتی» است که کشف اثر از راه ادراک موثر است، مثلاً کسی را در نظر بگیرید که در محلی واقع شده که تنها نیروگاه برق را می بیند ولی چراغهای شهر را نمی بیند، هنگامی که نیروگاه بکار می افتد، به روشن شدن لامپ های برق داخل شهر پی خواهد برد، یعنی با دیدن موثر که کارکردن نیروگاه برق است بوجود اثر پی می برد.

با این مقدمه کوتاه می توانیم بفهمیم که: پی بردن بوجود خداوند از قبیل دلیل نخست خواهد بود، چه اینکه ما خدا را نمی بینیم بلکه آثار و نشانه های هستی او را که تمام موجودات این عالم است مشاهده می نمایم و هرکس در دنیا می داند که هیچ معلولی بی علت و هیچ اثری بی موثر پیدا نمی شود، بنابراین هر یک از پدیده های هستی دلیلی روشن بوجود خالق و صانع این عالم است و این همان دلیل «آتی» است.

چگونه پروردگار ازلی است؟

ممکن است کسی بگوید: شما به این ترتیب می توانید ثابت نمائید برای عالم خالق است ولی از کجا آن خالق، ازلی و ابدی باشد؟ پاسخ این اشکال روشن است، زیرا این نظام علی و معلولی اقتضا می نماید که تمام علت ها منتهی شود به یک علت العللی که در وجود و بقایش به علتی نیاز نداشته باشد بلکه موجودی ازلی و ابدی باشد، مثلاً شما که وجود پیدا نموده اید بوسیله دو موجود دیگری که پدر و مادر شما است بدنی آمده اید، و پدرها و مادرهای شما بوسیله پدرها و مادرهایشان و همین طور تا منتهی می شود به نخستین مردوزن که آدم و حوا می باشند و این عبارت از سلسله علت و معلولی است که به آن اشاره نمودیم. آنگاه این سلسله علت و معلول باید به موجودی برسد که او خود علت همه این علتها باشد، یعنی هستی از او سرچشمه گیرد و او ازلی و ابدی باشد و در غیر این صورت اشکال اجتناب ناپذیر دور و تسلسل پیش خواهد آمد که پاسخی برای آن نیست.

ساده ترین مثال برای روشن شدن این مطلب این است که: شوری هر چیزی بوسیله نمک است ولی شوری خود نمک از چیز دیگری نیست بلکه ذاتی او است، و همچنین برای هر یک از

موجودات و پدیده های این عالم علتی وجودی در کار بوده و آن علت نیز دارای علتی است تا اینکه میرسیم به آن علت اصلی که خدا است. آیا وجود خداوند هم مسبوق به علتی است؟ خیر! او قائم بوجود خویش است و مسبوق به علتی نمی باشد.

برهان نظم

این یک راه برای اثبات صانع حکیم است که در بعضی از کتاب ها آمده است و یک راه روشن تر دیگری هم وجود دارد که عبارت از برهان نظم می باشد و این برهان به صورت روشنتری این مسأله را ثابت می نماید. از مثال هایی که برای روشن شدن مطلب آورده می شود و بهتر از دیگر مثال ها است این است که: اگر دو صفحه کاغذ سفید را در جایی بگذارید و پس از مدتی ملاحظه نمائید که بروی آنها خط هایی کشیده شده است، ولی روی یک صفحه خط هایی منظم و حساب شده و با حروفی خوانا، مطالبی مفید نوشته شده و بر صفحه دیگر خط هایی درهم و نامنظم دیده می شود که گویی کودکی خرد سال قلمی پیدا کرده و آن را خط خطی نموده است، با دیدن این دو کاغذ آیا چنین فکر می نمائید که بطور تصادف و اتفاق جوهری بر روی کاغذ ریخته شده و آنچنان خطوط و نوشته هایی از خویش بجای گذاشته است، و یا اینکه متوجه می شوید که دست انسانی در پندایش آنها دخالت داشته و خود بخود بوجود نیامده است؟ البته قضاوت شما در مورد هر دو کاغذ به یک گونه نیست، بلکه کاغذی را که دارای خطوطی نامنظم است ناشی از کاری کبود کانه و کاغذ دیگر را کار انسانی با سواد و فهمیده می دانید.

این جهان وسیع و با عظمت با همه پدیده های ریز و درشت و موجودات زیبا و متنوعش، مانند همان صفحه کاغذی است که بطور منظم و دقیق خط کشی شده و کلماتی مفید و بامعنی بر روی آن نگاشته شده است که با دیدن آن پی به فهم و علم نویسنده آن می برید؛ این نظم حاکم بر جهان آفرینش نیز گویای این واقعیت است که پدید آورنده و هستی بخش این عالم، خالق حکیم، مدبر و عالم و لطیف است، و نظم و حکمت در تمام موجودات این جهان از بزرگترین آنها که منظومه های شمسی و کرات بزرگ آسمانی هستند، تا ریزترینشان منظور شده است. پس آیا این جهان

پهناورهستی با این همه پدیده‌های شگفت‌انگیز و گوناگون، از آن صفحه نوشته کاغذ کمتر است که در مورد آن حتماً قضاوت خواهید نمود که دست موجودی عاقل و عالم در پیدایش خطوط و نوشته‌هایش دخالت داشته است؟

مثالی دیگر

درختی را در نظر بگیرید و روی آن بادید علمی به مطالعه و بررسی بپردازید، ملاحظه خواهید کرد که چگونه این درخت باریشه‌هایی که در دل خاک دارد، همچون تلخه‌ای بمکیدن آب و غذای متناسب باتنه و شاخ و برگ خود، از مواد موجود از زمین مشغول است و به هر قسمت غذای لازم آن را می‌رساند مثلاً میوه‌ها، نیاز به مواد قندی دارند و از اینرو از راه تنه و شاخه‌ها این ماده لازم را به آنها می‌رساند و برگها و شاخه‌ها نیاز به مواد دیگر دارند که آنها را نیز با مواد لازمشان تغذیه می‌نماید.

از مشاهده این نظم و حکمت دقیق در پدیده‌های هستی متوجه می‌شویم که صانع و خالق حکیم آنها را بوجود آورده و هدفی از خلقت آنها داشته و هیچ پدیده‌ای را به عبث و بیهوده نیافریده است، مثلاً هنگامی که کودکی از مادر بدنیا می‌آید، غده‌های شیری بدن او شروع به ترشح نموده و غذائی متناسب باوضع جسمی و شرائط دوران کودکی، از راه پستان مادر در اختیار نوزاد قرار می‌گیرد، آیا می‌توان گفت که ارتباطی میان تولد طفل و ترشح آن غده‌ها وجود ندارد و بطور تصادف این عمل اتفاق می‌افتد، یا خالق حکیم که آن کودک را بوجود آورده این مایع متناسب را برای تغذیه او قرارداده است؟ کیفیت پستان نیز باوضع نوزاد کاملاً ارتباط دارد و این خود نمونه‌ای از این نظم دقیق آفرینش است، این است که خداوند متعال که خالق این نظام احسن خلقت است درباره خویش می‌فرماید: «فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» بزرگ و پربرکت است خدائی که بهترین آفریدگار می‌باشد.

خلقت عجیب موربانه

موربانه یکی از موجودات کوچک این عالم خلقت است که مطالعه درباره زندگی اجتماعی و سبک خانه‌سازی او دانشمندان حشره شناس جهان را به شگفت و حیرت واداشته است. اگر با هواپیما از فراز صحرای وسیع افریقا عبور نمائید، برآمدگی‌های

فراوانی را با ارتفاعات مختلف در آنجا می‌بینید که شبیه به گنبدهای خانه‌ای قدیمی است که لانه‌های این حشره عجیب‌الخلقه را تشکیل می‌دهند گرچه ضخامت و حجم دیواره‌های آن به اندازه چند انگشت بیش نیست ولی از آنچنان استحکام و استواری برخوردار است که جز با کمک مته‌های میکانیکی نفوذ بداخل آن میسر نمی‌باشد. در قسمت داخل این لانه‌ها کانالهای منظم باهندسه‌ای دقیق و حساب شده کشیده شده که تاکنون بوسیله مهندسين زبردست بشر آنچنان خیابان‌کشی بوجود نیامده است. آیا آنها این کار دقیق را بطور تصادف فرا گرفته‌اند یا خالق حکیم چنین غریزه و توانائی را در آنها خلق فرموده است؟ در سوره مبارکه «ملک» درباره این نظم دقیق و نظام احسن آفرینش چنین می‌خوانیم: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَافُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِن فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنبَغِيبِ الْبَصَرَ خَائِسًا وَهُوَ حَسِيرٌ» خداوندی که هفت آسمان را با طبقاتی منظم بیافرید، در نظم خلقت خدای رحمان، بی نظمی و کمبود نخواهی یافت، پس به این نظام خلقت بنگر آیا هستی در آن توانی یافت؟ دوباره نظر افکن، نگاهت خسته و نومید (از پیدا کردن تفاوت و سستی) بسویت باز خواهد گشت.

دلیل نظم مانند دلیل علیت «دلیل آنی» است چه اینکه در هر دو از آثار پی به مؤثر برده می‌شود و با دیدن معلول، علت کشف می‌گردد. این آثار خلقت و نظم حاکم بر جهان، همه دلیل بر وجود آفریننده‌ای قادر و حکیم است. که شریک و همثانی برای او نیست؛ زیرا اگر شریکی داشت از سوی آن شریک نیز پیامبری مبعوث می‌شد و مردم را بسویش فرا می‌خواند و کتابی نازل می‌نمود و خود را به مردم معرفی می‌کرد!

بنابراین معنی آیه شریفه «من الناس من يجادل في الله بغير علم و لا هدى ولا كتاب منير» تا اینجا روشن شد و منظور آیه اثبات توحید و نفی شرک و چند خدائی است و آنها که ادعائی جز این دارند و اندیشه‌ای غیر از این در سر می‌پرورانند، ادعائی است خالی از دلیل و منطق و اندیشه‌ای پوچ و بی اساس می‌باشد. ادامه دارد

۱- سوره لقمان آیه ۲۰

۲- سوره مؤنون آیه ۱۴

۳- سوره ملک آیات ۳-۴